



تلاوت روزی یک جزء از
قرآن
الجزء ۱۲
Qur'an
Reciting one Juz' a day from

جزء ١٢ - صفحه ٢٢٢ تا صفحه ٢٤١

الجزء الثاني عشر - الصفحة ٢٢٢ إلى الصفحة ٢٤١

Juz' (Part) 12 - Page 222 to Page 241

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!



۳
وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ

و هیچ جنبنده در زمین نیست
No animal exists on earth

إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا

جز آنکه روزیش بر خداست
unless God provides for it.



وَيَعْلَمُ مَسْتَقَرَّهَا وَ مَسْتَوْدَعَهَا ج

و خدا قرارگاه (منزل دائمی) و آرامشگاه (جای موقت) او را می داند،
He knows its lair and its burrow;

كُلُّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ٦

و همهٔ احوال خلق در دفتر علم ازلی خدا ثبت است. (٦)
everything is [to be found] in a clear Book. (6)



۵
وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ

و اوست خدایی که آسمانها و زمین را
He is the One Who created Heaven

وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ

در فاصله شش روز آفرید
and Earth in six days.



٦
وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ

و عرش با عظمت او (شاید یک معنی عرش که روح و حقیقت انسان است اینجا مراد باشد) بر آب

His Throne rises over the water,

لِيَبْلُوكُم أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا

قرار داشت (شاید مراد از آب علم باشد) تا شما را بیازماید که عمل کدام یک از شما نیکوتر است.

so He may test which of you is finest in action.



۷
وَلَئِن قُلْتِ اِنَّكُمْ مَّبْعُوْثُوْنَ

و محققاً اگر به این مردم بگویی که پس از مرگ
If you should say: "You will (all) be raised up

مِنْۢ بَعْدِ الْمَوْتِ

زنده خواهید شد،
after death,"



لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا

همانا کافران خواهند گفت که این سخن را
those who disbelieve would say:

إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ

هرگز حقیقتی جز سحر آشکار نیست. (۷)
"This is just sheer magic!" (7)



وَلَئِن أَخَّرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ

و اگر ما عذاب را از آن منکران معاد تا وقت معین (هنگام مرگ)

If We postponed torment for them till a period to be counted out,

مَعْدُودَةٍ لَيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ

به تعویق اندازیم آنها گویند: چه موجب تأخیر عذاب شده؟

they would say: "What is delaying it?"



الْأَيُّومَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ

آگه باشند که چون هنگام عذاب برسد هرگز از آنان بازگردانده نشود

On the day when it comes to them, there will be no means for them to dodge

وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

و آنچه بدان تمسخر می کردند سخت آنان را فرا گیرد. (۸)

it, while whatever they had been sneering at will sweep in around them. (8)

۱۱
وَلَئِنۡ اَذَقْنَا الْاِنۡسَانَ مِۡنَّا رَحۡمَةً ثُمَّ

و اگر ما بشر را به نعمت و رحمتی برخوردار کنیم، سپس (چون کفران کرد)
If We ever let man taste any mercy from Us, then snatched it away

نَزَعۡنَاهَا مِنْهٗ اِنَّهٗ لَيۡۤءُوۡسٌ كَفُوۡرٌ ﴿۹﴾

آن نعمت را از او بازگیریم او سخت به خوی نومیدی و کفران درافتد. (۹)
from him, he would become despondent, ungrateful. (9)



وَلَئِنۡ اَذَقْنَاهُ نِعْمًاۙ بَعْدَ ضَرَّآءٍ مَّسَّتْهُ

و اگر آدمی را به نعمتی پس از محنتی که به او رسیده باشد رسانیم
 Yet if We let him taste favor after some hardship has afflicted him,

لَيَقُولنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي

(مغرور و غافل شود و) گوید که دیگر روزگار زحمت و رنج من سرآمده،
 he says: "Evil things have departed from me!"



إِنَّهُ وَ لَفَرِحَ فَخُورٌ ﴿١٠﴾

سرگرم شادمانی و مفاخرت گردد. (۱۰)

He is so cheerful, boastful, (10)

إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

مگر آنان که دارای ملکه صبر و عمل صالحند

except for the ones who act patiently and perform honorable deeds; ﴿١١﴾

أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿١١﴾

که بر آنها آمرزش حق و اجری بزرگ است. (۱۱)
 those will have forgiveness and a big wage. (11)

فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ

(ای رسول ما) مبادا بعض آیاتی را که به تو وحی شده

Perhaps you are abandoning something that has been inspired in you,

وَضَائِقُ بِهِ صَدْرُكَ

(دربارهٔ کافران به ملاحظاتی) تبلیغ نکنی و از قول مخالفان
and your breast is feeling cramped because of it,

أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ كَنْزٌ

که می‌گویند (اگر این مرد پیغمبر است) چرا گنج و مالی ندارد
since they say: "Why has not a treasure been sent down to him,



أَوْ جَاءَ مَعَهُ وَمَلِكٌ إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ

و یا فرشته آسمان همراه او نیست دلتنگ شوی، که وظیفه تو تنها نصیحت
 or some angel come along with him?": You are only a warner,

وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ۱۲

و اندرز خلق است، و حاکم و نگهبان هر چیز خداست. (۱۲)
 while God is a Trustee for everything. (12)



أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ

آیا کافران می گویند این قرآن را خود او به هم بافته

Or do they say: "He has made it all up!"

قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ

و به خدا نسبت می دهد؟! بگو: اگر راست می گویند

SAY: "Well then bring chapters made up like it!"



وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ

شما هم با کمک همه فصحای عرب بدون وحی خدا

Appeal to anyone you can manage to instead of to God

۱۳

إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

ده سوره بر بافته مانند این قرآن بیاورید. (۱۳)

if you are so truthful. (13)



فَالِمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ

پس هر گاه کافران جواب شما را ندادند

If they do not respond to you,

فَاعَلِمُوا أَنَّمَا أَنْزَلَ بِعِلْمِ اللَّهِ

در این صورت بدانید که این کتاب به علم خدا نازل شده

then know it has only been sent down with God's knowledge.



۲۰
وَأَنْتَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

و دعوتش این است که هیچ خدایی جز آن ذات یکتای الهی نیست،
There is no deity except Him.

فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ۱۴

پس آیا شما مردم تسلیم (حکم خدا و رسول) خواهید شد؟ (۱۴)
Will you not become Muslims?" (14)



مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا

کسانی که طالب تعیش مادی و زینت دنیوی هستند

We shall repay anyone who has been wanting worldly life

نُوفٍ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا

ما مزد سعی آنها را در همین دنیا کاملاً می دهیم

and its attraction according to their actions in it;





وَهُمْ فِيهَا لَا يَخْسُونَ

و هیچ از اجر عملشان در دنیا کم نخواهد شد. (۱۵)
 they will not be caught short there. (15)

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ

ولی هم اینان هستند که دیگر در آخرت نصیبی
 Yet those will have only the Fire during the Hereafter



إِلَّا النَّارُ وَ حَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا

جز آتش دوزخ ندارند و همهٔ اعمالشان در راه دنیا

while anything they have been producing in it will collapse

وَباطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾

(پس از مرگ) ضایع و باطل می‌گردد. (۱۶)

and whatever they have been doing will [prove to] be useless. (16)

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ

آیا پیغمبری که از جانب خدا دلیلی روشن (مانند قرآن) دارد
What about someone who has [received] an explanation

وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ

و گواهی صادق (مانند علی علیه السلام) در پی اوست
from his Lord and to whom a witness from Him is reciting



وَمِنْ قَبْلِهِ

و به علاوه کتاب تورات موسی هم

while Moses' book

كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً

که پیشوا و رحمت حق بر خلق بود پیش از او بوده

lies before him as a token and a mercy?



أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ

واینان (از اهل کتاب) به آن ایمان دارند (به آمدن آن پیامبر بشارت داده، چنین پیامبری

Such persons believe in it. Anyone from the factions who

مِنَ الْأَحْزَابِ فَالْنَّارُ مَوْعِدُهُ

مانند آن کس است که این امتیازات را ندارد؟ و هر کس از طوایف بشر به او کافر شود

disbelieve in it will have the Fire for his appointment,



فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ

وعدہ گاهش البتہ آتش دوزخ است، پس در آن هیچ شک مدار
so do not be in any quandary about it;

إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ

کہ این حق و درست از سوی پروردگار توست
it is the Truth from your Lord,



وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ

و لیکن اکثر مردم
even though most men

لَا يُؤْمِنُونَ

۱۷

(به آن) ایمان نمی آورند. (۱۷)
do not believe so. (17)



وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ

و در جهان از آنهایی که به خدا نسبت دروغ دادند

Who is more in the wrong than someone who invents a lie

كَذِبًا ۖ أُولَٰئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ

ستمکارتر کیست؟ آنان بر خدای خود عرضه داشته شوند

about God? Those will be turned over to their Lord



۳۰
وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ

و گواهان (محشر) گویند: اینان هستند که
and witnesses will say: "These are the ones

كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ

بر خدای خود دروغ بستند،
who have lied about their Lord!"



أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿١٨﴾

آگاه باشید که لعن خدا بر ستمکاران عالم است. (۱۸)

Does not God's curse rest on wrongdoers, (18)

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ

آن ستمکاران که (بندگان را) از راه خدا باز می دارند

those who obstruct God's way



وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا

و سعی می کنند که راه حق را کج کنند
and attempt to make it crooked,

وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ۱۹

(و خلق را به راه باطل کشند) و هم آنها که منکر قیامتند. (۱۹)
and are disbelievers in the Hereafter? (19)



أُولَئِكَ لَمْ يَكُونُوا

اینها هیچ قدرت و راه مفری

Those will not prevent anything

مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ

در زمین (از قهر خدا) ندارند

from happening on earth



وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ

و جز خدا، یار و مددکاری

nor will they have any patrons besides God.

مِنْ أَوْلِيَاءَ يَضَاعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ

نخواهند یافت، عذابشان دو چندان شود،

Torment will be doubled for them.



مَا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ

و هرگز گوششان هم در شنوایی (سخن راست) و چشمشان

They have not been enabled to hear

وَمَا كَانُوا يَبْصُرُونَ

در بینایی (حق و حقیقت) به آنها مدد نتواند کرد. (۲۰)

nor have they been observing [anything]. (20)



أُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ

همین مردم هستند که نفوس خود را سخت در زیان افکندند

Such are the ones who have lost their own souls,

وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٢١﴾

و هر دروغی که می‌بسته همه از دستشان برود و محو و نابود شود. (۲۱)

while whatever they were inventing has led them astray. (21)



لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ

ناگزیر در عالم آخرت

It is positive they will lose most



هُمُ الْآخِضَرُونَ

زیانکارترین مردم آنها هستند. (۲۲)

in the Hereafter! (22)



إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

اما آنان که به خدا ایمان آورده و به اعمال صالح پرداختند
Those who believe, perform honorable deeds,

وَأَخْبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ

و به درگاه خدای خود خاضع و خاشع گردیدند
and yield unto their Lord,



أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ

آنها البته اهل بهشت جاویدند
will become inhabitants of the Garden;

۲۳

هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

که در آن بهشت متنعم ابدی خواهند بود. (۲۳)
they will live in it for ever. (23)



مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَى

حال این دو گروه (کفر و ایمان) در مثل
Both groups can be compared to a blind

ج وَالْأَصْمَى وَالْبَصِيرَ وَالسَّمِيعَ

به شخص کور و کر و شخص شنوا و بینا مانند است،
and dumb man, alongside a sighted and hearing one.



هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا ج

آیا حال این هر دو شخص یکسان است؟!
Are they alike for the purpose of comparison?

أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ع



پس چرا متذکر نمی شوید؟! (۲۴)
Will you not bear this in mind? (24)



وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ

و به حقیقت، ما نوح را به سوی قومش به رسالت فرستادیم (او قومش را گفت)

We sent Noah to his folk:

۲۵

إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

که من با بیان روشن برای نصیحت و هشدار شما آمدم. (۲۵)

"I am a plain warner for you, (25)



أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي

که غیر خدای یکتا کسی را نپرستید، که من

so that you may worship nobody except God [Alone].

أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمِ الْيَمِّ

از عذاب روز سخت و دردناک قیامت بر شما می ترسم. (۲۶)

I fear the torment of a painful day for you!" (26)



فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ

سران کافران قومش پاسخ دادند که ما تو را مانند خود،

The notables from among his own people who disbelieved said:

مَا نَرُكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا

بشری بیشتر نمی دانیم

"We regard you only as a human being like ourselves.



وَمَا نَرٰكَ اتَّبَعَكَ اِلَّا الَّذِيْنَ

و در بادیِ نظر، آنان که پیرو تو اند،

We do not see that anyone follows you except those who are

هُمُّ اَرَادِنَا بِاِدِي الرَّايِ

اشخاصی پست و بی قدر بیش نیستند

the meanest among us, who are just beginning to form opinions.



وَمَا نَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍ

و ما هیچ گونه مزیتی برای شما نسبت به خود نمی بینیم،

We do not consider that you (all) have any advantage over us;

بَلْ نَحْنُ نَكُفِّرُكُمْ كَاذِبِينَ ﴿٢٧﴾

بلکه شما را دروغگو می پنداریم. (۲۷)

rather we think you are lying. (27)



قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنْتُمْ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ

نوح، قومش را پاسخ داد که ای قوم، شما چه می‌گویید، اگر مرا

He said: "My people, have you considered whether I have [brought]

مِنْ رَبِّي وَأَنَا نَبِيٌّ رَحْمَةٌ مِنْ عِنْدِهِ

دلیل روشن و رحمت مخصوص از جانب پروردگار عطا شده باشد

any explanation from my Lord? He has sent me mercy from His presence,

فَعَمِيَتْ عَلَيْكُمْ أَنْزَلْنَا مَكْمُوهًا

ولی حقیقت حال بر شما پوشیده مانده باشد آیا (جهالت نیست که) ما شما
 although it has been disguised so far as you are concerned.

۲۸

وَأَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ

را (به رحمت و سعادت) اجبار کنیم با آنکه شما تنفر اظهار می کنید؟ (۲۸)
 Shall we compel you to [accept] it while you dislike it? (28)



وَيَا قَوْمِ

ای قوم،

And my folk,

لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا

من از شما در عوض هدایت، ملک و مالی نمی خواهم،

I do not ask you for any money for it; my wages come only from God.

إِنِّي أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ ج

اجر من تنها بر خداست

Nor am I driving away those who believe:

وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ ءَامَنُوا ج

و من هرگز آن مردم با ایمان را از خود دور نمی‌کنم،

they will be meeting their Lord [anyhow].



إِنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ

که آنها به شرف ملاقات خدا می‌رسند،

Yet I do see you are a folk

وَلِكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ

ولی به نظر من شما خود، مردم نادانی هستید. (۲۹)

who act out of ignorance. (29)



وَيَا قَوْمٍ مَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ

و ای قوم، اگر من آن مردم (پاک خداپرست) را از خود برانم (و خدا از من برنجد)

My people, who will support me against God if I should

إِنْ طَرَدْتُهُمْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

۳۰

به مدد که از خشم خدا نجات یابم؟ آیا پند نمی‌گیرید؟ (۳۰)

drive them off? Will you not bear this in mind? (30)



وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ

من شما را نمی‌گویم که خزائن خدا نزد من است
 "I do not tell you that I hold God's treasures,

وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ

و نه مدعییم که از علم غیب حق آگاهم و نه دعوی کنم که فرشتهٔ آسمانم
 nor do I know the Unseen nor say I am an angel,



وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ

و هرگز مؤمنان پاکی را که به چشم شما خوارند
nor do I tell those whom you eye with contempt

لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا

نخواهم گفت که خدا آنها را هیچ خیری نرساند،
that God will not give them anything good.



إِنَّ اللَّهَ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ

که خدا بر دل‌های با اخلاص آنها داناتر است که (آنها را عزیز و گرامی داشته
God is quite Aware of what lies in their souls.

۳۱

إِنِّي إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ

(و اگر من آنها را خوار شمارم از ستمکاران عالم به شمار باشم. (۳۱)
I should then be a wrongdoer." (31)



قَالُوا يَا نُوحُ قَدْ جَادَلْتَنَا

قوم گفتند: ای نوح، تو با ما جدل

They said: "Noah, you have pleaded with us,

فَاكْثَرْتِ جِدَالِنَا

و گفتگوی بسیار کردی،

and kept on pleading with us.



فَاتِنَا بِمَا تَعِدُنَا

اکنون اگر راست می گویی

Bring us whatever you threaten us with

۳۲ **إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ**

بر ما عذابی که وعده می دهی بیار. (۳۲)

if you are so truthful!" (32)



قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيكُمْ بِهِ اللَّهُ إِنْ شَاءَ

نوح گفت: آن وعده را اگر خدا خواهد به شما می‌رساند
 He said: "Only God will bring you it, if He so wishes.

۳۳

وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ

و هیچ از آن مفرّی ندارید. (۳۳)
 You will not prevent it. (33)



وَلَا يَنْفَعُكُمْ نَصْحِي

و اگر بخواهم شما را پند دهم

My advice will not benefit you

إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَنْصَحَ لَكُمْ

دیگر پند و نصایح من سود نکند

no matter how sincerely I want to advise you,



إِنْ كَانَ اللَّهُ يَرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ

اگر خدا خواهد که شما را گمراه کند (یعنی پس از اتمام حجت به تعلیمات رسالت به حال
should God be wanting to let you wander off.

هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

گمراهی خود واگذارد)، او خدای شماست و به سوی او بازگردانده می شوید. (۳۴)
He is your Lord and to Him will you (all) return." (34)



أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ

آیا باز خواهند گفت که او از پیش خود این سخنان (قرآن) را فرا بافته؟
Or do they say: "He has invented it!"?

قُلْ إِنْ افْتَرَيْتَهُ فَعَلَىٰ إِجْرَامِي

بگو: اگر چنین باشد عقوبت آن گناه بر من است (نه بر شما)
SAY: "If I have invented it, then my crime rests on myself;



وَإِنَّا بِرَبِّيَءٍ مِّمَّا تَجْرِمُونَ ﴿٣٥﴾

و من از (کفر و) گناه شما بیزارم. (۳۵)

while I am innocent of any crimes you may be committing ." (35)

وَأَوْحَىٰ إِلَىٰ نُوحٍ

و به نوح وحی شد

It was revealed to Noah that:



أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ

که جز همین عده که ایمان آورده‌اند
 "None of your folk will ever believe

إِلَّا مَنْ قَدْ ءَامَنَ

دیگر ابداً هیچ کس از قومت ایمان نخواهد آورد،
 except for someone who has already believed.





فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

پس تو بر کفر و عصیان این مردم لجوج محزون مباش. (۳۶)

Do not despair about what they have been doing. (36)

وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا

و به ساختن کشتی در حضور و مشاهده ما و به دستور ما مشغول شو

Build the Ark under Our eyes and Our inspiration.



وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا ^ج

و درباره ستمکاران که البته باید غرق شوند

Do not preach to me about those who have done wrong;

انهم مغرَقون ^ج

۳۷

دیگر با من سخن مگوی. (۳۷)

they will be drowned." (37)



وَيَصْنَعُ الْفُلَّ وَكَلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ

و نوح به ساختن کشتی پرداخت و هر گاه گروهی از قومش بر او
As he was building the Ark, each time any gentlemen

مَلَآ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ

می گذشتند وی را مسخره و استهزاء می کردند
from his own people passed by him, they would sneer at him.



قَالَ إِن تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا

و نوح در جواب آنها می گفت: اگر (امروز) شما ما را مسخره می کنید ما هم
He said: "If you ridicule us, then we'll ridicule you

نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ

(روزی) شما را مسخره کنیم همان گونه که شما مسخره می کنید. (۳۸)
just the way you are sneering. (38)



فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ

و به زودی معلوم شما شود که کدام یک به عذاب ذلت و خواری
 You will come to know who will be given torment which will

يُخْزِيهِ وَيَجِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ۳۹

گرفتار و عذاب دائم خدا را مستوجب خواهد شد. (۳۹)

shame him, and have lasting torment settle down upon him." (39)

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُورُ

(نوح به ساختن کشتی و قوم به تمسخر پرداختند) تا وقتی که فرمان (قهر) ما فرارسید و از تنور
So when Our command came and the bowels (of the earth) welled up,

قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ


آتش آب بجوشید، در آن هنگام به نوح خطاب کردیم که از هر جفت حیوان دو فرد (نر و ماده)
We said: "Load her up with two apiece from every species,



وَأَهْلَكَ إِلَّا

با جمیع خانواده‌ات- جز آن (پسرت کنعان و زنت) که وعدهٔ هلاکش در علم ازلی
and your own family-except for anyone against whom the Sentence

مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ

گذشته- و هر که ایمان آورده همه را در کشتی سوار کن (که از غرقاب برهند).
has already been pronounced-as well as anyone who believes." 

وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ ﴿٤٠﴾

و گرویدگان به نوح عدۀ قلیلی بیش نبودند. (۴۰)
Yet only a few believed along with him. (40)

وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا ﴿٤١﴾

و نوح دستور داد که شما مؤمنان به کشتی در آیدید
He said: "Board her:



بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَ مَرَسَهَا

تا به نام خدا کشتی هم روان شود و هم به ساحل نجات رسد،
 "In the name of God is her sailing and her mooring;

إِنِّي لَعَفُورٌ رَحِيمٌ (۴۱)

که خدای من البته بسیار آمرزنده و مهربان است. (۴۱)
 my Lord is so Forgiving, Merciful!" (41)



وَأَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ

و آن کشتی آنان را در میان امواجی مانند کوه گردش می داد

She sailed on with them through waves that were like mountains.

وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْرِلٍ

که در آن حال نوح فرزندش را که به کناری رفته بود ندا کرد

Noah called out to his son who stood aloof by himself:



يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا

که ای پسر، تو هم با ما بدین کشتی درآی

"My dear son, sail away with us,

۴۲

وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ

و با کافران همراه مباش. (۴۲)

and do not stay with the disbelievers." (42)



قَالَ سَأُوۡبَىٰٓ اِلَىٰ جَبَلٍ

آن پسر (نادان ناهل) پدر را پاسخ داد
 He said: "I'll take refuge on a mountain

يَعۡصِمُنِي مِنَ الْمَآءِ

که من به زودی بر فراز کوهی روم که از خطر آبم نگه دارد،
 which will protect me from the water."



قَالَ لَا غَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ

نوح گفت: امروز هیچ کس را از (قهر) خدا

He said: "Nothing is safe today from God's command

إِلَّا مَنْ رَحِمَ

جز لطف او پناه نیست.

except for someone who has been shown mercy."



وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ

و موج میان آنها جدایی افکند
A wave swept in between them

۴۳

فَكَانَ مِنَ الْمَغْرُقِينَ

و پسر با کافران به دریا غرق شد. (۴۳)
so he was one of those who were drowned. (43)



وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ

و به زمین خطاب شد که ای زمین، فوراً آب خود را فرو بر،
It was said: "Earth, swallow your water!",

وَيَا سَّمَاءُ اقْلَعِي وَغِيضَ الْمَاءِ

و به آسمان امر شد که باران را قطع کن، و آب (به یک لحظه) خشک شد
and: "sky, clear up!" So the waer receded,



۷۹
س ز

وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ

و حکم (قهر الهی) انجام یافت و کشتی بر کوه جودی قرار گرفت،
the Command was accomplished, and she settled down on [Mt.] Judi.

وَقِيلَ بَعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۴۴

و فرمان هلاک ستمکاران در رسید. (۴۴)
It was (also) said: "Away with such wrongdoing folk!" (44)



وَنَادَىٰ نُوحٌ رَبَّهُ وَ

و نوح به درگاه خدا عرض کرد: بار پروردگارا،

Noah called upon his Lord and said: "My Lord,

فَقَالَ رَبِّ إِنِّي ابْنٌ مِّنْ أَهْلِ

فرزند من از اهل بیت من است (که وعدهٔ لطف و نجات به آنها دادی)

my son belonged to my own family,



وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ

و وعده تو هم حتمی است
while Your promise is true,

وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ

۴۵

و قادرترین حکمفرمایانی. (۴۵)

and You are the wisest Judge!" (45)



قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ

خدا خطاب کرد که ای نوح، فرزند تو هرگز با تو اهلیت ندارد،
He said: "Noah, he no longer belongs to your family:

إِنَّهُ وَعَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ

زیرا او را عمل بسیار ناشایسته است،
his behavior was dishonorable.



فَلَا تَسْأَلْنِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ

پس تو از من تقاضای امری که هیچ از حال آن آگه نیستی مکن،

Do not ask Me about something you have no knowledge about;

إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ

من تو را پند می‌دهم که از مردم جاهل باش. (۴۶)

I so caution you lest you become ignorant." (46)



قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ

نوح عرض کرد: بار الهما، من پناه می برم به تو
 He said: "My Lord, I take refuge with You

أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ

که دیگر چیزی که نمی دانم از تو تقاضا کنم،
 from asking You something I have no knowledge about.



وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي

و اگر گناه مرا نبخشی و بر من ترحم نفرمایی

If You do not forgive me and show me mercy,

أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ

۴۷

من از زیانکاران عالم خواهم بود. (۴۷)

I may become a loser." (47)



قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ

و خطاب شد که ای نوح، از کشتی فرود آی که سلام ما و برکات و رحمت ما
It was said: "Noah, land in peace from Us; blessings will [rest]

عَلَيْكَ وَ عَلَىٰ أُمَّمٍ مِّمَّنْ مَعَكَ

بر تو و بر آن امم و قبایلی که همیشه (در خداپرستی) با تو اند اختصاص یافته،
on you and on some of the nations who [will spring] from you.

وَأَمْمٌ سَنُمْتِعُهُمْ

و امتهایی دیگر هستند که (خودسر و ستمگر شوند و) ما به آنها بهره‌ای (از دنیا)

We shall let some [other] communities enjoy themselves;

ثُمَّ يَمَسُّهُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ ۴۸

دهیم سپس عذابی سخت (در قیامت) از ما به آنان خواهد رسید. (۴۸)

then painful torment from Us will afflict them." (48)



تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ

این (حکایت نوح) از اخبار غیب است

This is some of the news about the Unseen

نُوحِيهَا إِلَيْكَ

که به تو وحی می‌کنیم

which We reveal to you.



مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ

و پیش از آنکه ما به تو وحی کنیم

Neither you nor your people

وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا

تو و قومت هیچ از آن آگاه نبودید،

knew them before this,





فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ

پس تو در طاعت حق راه صبر پیش گیر که عاقبت نیکو اهل تقوا راست. (۴۹)
 so be patient. The outcome belongs to those who do their duty (49)

وَإِلَىٰ عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا

و ما برای (هدایت) قوم عاد برادرشان (یعنی مردی از طایفه آنها) هود را فرستادیم،
 To 'Ad [we sent] their brother Hud.



قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ

گفت که ای مردم، خدای یکتا را پرستش کنید که جز او شما را خدایی نیست و شما (در

He said: "My people, worship God [Alone]! You have no other deity

إِلَهٍ غَيْرِهِ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ

گفتاری که از بتان و خدایان باطل به میان آورده‌اید بدانید که) افترازننده‌ای بیش نیستید. (۵۰)

except Him. Otherwise you are only making things up. (50)



يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا ز

ای قوم، من از شما مزد رسالت نمی خواهم،

My folk, I ask you for no payment for it:

إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي ج

اجر من جز بر خدا که مرا آفریده، نیست،

my wage comes only from the One Who fashioned me.



أَفَلَا تَعْقِلُونَ

۵۱

آیا فکر و عقل را کار نمی‌بندید؟ (۵۱)

Will you not reason [things out]? (51)

وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ

و ای قوم، از خدای خود آمرزش طلبید و به درگاه او توبه کنید

My folk, seek forgiveness from your Lord, then turn to Him [repentant].

يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا

تا از آسمان بر شما رحمت فراوان نازل گرداند

He will send the heavens down upon you in torrents

وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ

و بر قوت و توانایی شما بیفزاید،

and add strength to you even beyond your own strength.



وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ ﴿٥٢﴾

و زنهار به نابکاری و عصیان روی مگردانید. (۵۲)

Do not turn away like criminals. (52)

قَالُوا يَا هُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ

قوم هود وی را پاسخ دادند که ای هود، تو برای ما دلیلی (روشن بر دعوی

They said: "Hud, you have not brought us any explanation,



وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا عَنْ قَوْلِكَ

رسالت خود) نیاوردی و ما هرگز از خدایان خود به مجرد حرف تو، دست
nor are we apt to leave our gods merely on your say-so.

وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ

نمی‌کشیم و ما هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد. (۵۳)
We are no believers in you; (53)



إِنْ نَقُولُ إِلَّا اعْتَرَاكَ

تنها چیزی که (درباره تو) می‌گوییم این است
we only say: 'Some of our gods

بَعْضُ آلهَتِنَا بِسُوءٍ

که برخی از خدایان ما تو را آسیب جنون رسانیده است.
have stricken you with evil."



قَالَ إِنِّي أَشْهَدُ بِاللَّهِ وَاشْهَدُوا

هود به آنها گفت: من خدا را گواه می‌گیرم و شما هم گواه باشید
 He said: "I take God as a witness, and bear witness yourselves"

أَنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ ٥٤

که من از خدایانی که غیر خدای یکتا می‌پرستید بیزارم. (۵۴)
 that I am innocent of what you associate with (54)



مِنْ دُونِهِ فَكِيدُونِي جَمِيعًا

شما هم هر فکر و تدبیری در کار من دارید بیندیشید
instead of Him. Plot away all together against me;

ثُمَّ لَا تَنْظُرُونِ



و هیچ مهلتم ندهید. (۵۵)
then do not keep me waiting! (55)



إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي

من بر خدا که پروردگار من و شماست

I have relied on God, [Who is both] my Lord

وَرَبِّكُمْ

توکل کرده ام،

and your Lord.



مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا

که زمام اختیار هر جنبنده‌ای به دست اوست

There is no animal which He does not grasp by its forelock.

إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

و البته پروردگار من (در کار بندگان) به راه راست است. (۵۶)

My Lord is on a Straight Road. (56)



فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ

پس اگر شما روی بگردانید من به وظیفه خود

Even if you should turn away,

مَا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ

که ابلاغ رسالت (و اتمام حجت) بر شماست قیام کردم،

I have still delivered to you what I have been sent to you with.



وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ

و خدای من قومی دیگر را جانشین شما خواهد کرد

My Lord will replace you with some other people than yourselves,

وَلَا تَضُرُّوَنَهُ شَيْئًا

و به او هیچ ضرری نتوانید رسانید،

while you will not harm Him in any way.



۵۷
 إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ

که پروردگار من بر هر چیز نگهبان است. (۵۷)

My Lord acts as a Keeper over everything. (57)

وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا

و چون فرمان (قهر) ما (به هلاکت قوم) در رسید ما به فضل و رحمت خود هود

Once Our command came, We rescued Hud as well as those



وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ وَرَحْمَةٌ مِنَّا

و کسانی را که با او ایمان آوردند نجات بخشیدیم
 who believed along with him through mercy from Ourselves;

وَنَجَّيْنَاهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ

و آنها را از عذاب بسیار سختی ایمن ساختیم. (۵۸)
 We saved them from stern torment. (58)



وَتِلْكَ عَادٌ جَحَدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ

و همین قوم عاد (امت هود) هستند که آیات خدا را انکار
Such [people] were 'Ad: they repudiated their Lord's signs,

وَعَصَوْا رُسُلَهُ

و پیغمبران او را نافرمانی کردند
defied their messengers,





وَ اتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ

و پیرو امر هر شخص جبار و عنودی شدند. (۵۹)

and followed the command of every stubborn oppressor. (59)

وَ اتَّبَعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً

و آنها به لعن خدا هم در حیات دنیا

They were followed by a curse in this world



وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ ط إِلَّا إِنَّ عَادًا كَفَرُوا

و هم در قیامت گرفتار گردیدند، آگاه باشید که قوم عاد به خدای خود
as well as on Resurrection Day. Did not 'Ad disown

رَبَّهُمْ ط إِلَّا بَعْدًا لِعَادٍ قَوْمِ هُودٍ ع ٦٠

کافر شدند، بدانید که قوم عاد، امت هود از رحمت خدا دورند. (۶۰)
their Lord? Well, it meant: "Away with 'Ad, Hud's folk!" (60)



وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا ﴿١٠٩﴾

و باز ما به سوی قوم ثمود برادرشان صالح را به رسالت فرستادیم،
To Thamud [We sent] their brother Salih.

قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ

صالح به قوم خود گفت: ای قوم، خدای یگانه را
He said: "My people, worship God; you have



مِنْ إِلَهِ غَيْرِهِ وَهُوَ أَنشَأَكُمْ

که شما را جز او خدایی نیست پرستش کنید، او خدایی است که
no deity besides Him. He has produced you

مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا

شما را از زمین بیافرید و برای عمارت و آباد ساختن آن برگماشت،
from the earth and let you settle down on it,



فَاسْتَغْفِرُوا لَهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ ج

پس شما از خدای خود آمرزش طلبید و به درگاه او توبه کنید که البته
so seek forgiveness from Him. Then turn to Him;

إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ ٦١

خدای من (به همه) نزدیک است و شنونده و اجابت کننده است. (۶۱)
my Lord is Near, Responsive." (61)



قَالُوا يَا صَالِحُ

قوم گفتند: ای صالح،

They said: "Salih,

قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا

تو پیش از آنکه دعوی نبوت کنی در میان ما مورد امیدواری بودی،

you have been a source of expectation among us until now.



أَتَنْهِنَا

آیا می خواهی ما را
Do you prohibit us

أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا

از پرستش خدایانی که پدران ما می پرستیدند منع کنی؟
from serving what our fathers worshipped?



وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ

ما به دعوی نبوتت

We feel suspicious doubt about

۶۲

مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ

سخت بدگمان و بی عقیده هستیم. (۶۲)

what you are appealing for us to do." (62)



قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنْتُمْ عَلَىٰ

صالح گفت: آیا رأی شما چیست اگر من بر دعوی خود معجز و دلیلی از طرف خدا

He said: "My folk, have you considered whether I bring

بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَأَنَا تَنِي مِنْهُ رَحْمَةً

در دست داشته باشم و او مرا از نزد خود رحمتی (مقام نبوت) داده باشد،

any explanation from my Lord? He has given me mercy from Himself.

فَمَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ عَصَيْتَهُ وَ

اگر باز هم فرمان او نبرم در این صورت مرا در برابر (قهر) خدا، که یاری
Who will support me against God if I were to disobey Him?

فَمَا تَزِيدُونِي غَيْرَ تَخْسِيرٍ ٦٣

تواند داد؟ که شما بر من جز ضرر و زیان چیزی نخواهید افزود. (۶۳)
You would only make me lose even more. (63)



وَيَا قَوْمِ هَذِهِ نَاقَةٌ لِلَّهِ لَكُمْ آيَةٌ

و ای قوم، این ناقه، آیت خداست و معجز برای شماست،

"My people, this she-camel belonging to God is a sign for you.

فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ

او را به حال خود آزاد گذارید تا در زمین خدا چرا کند

Let her pasture on God's earth



وَلَا تَمْسُوْهَا بِسُوْءٍ

و قصد آزار او مکنید

and do not hurt her in any way lest some torment

فِيَاخُذْكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ

و گر نه شما را به زودی عذابی در خواهد گرفت. (۶۴)

should overtake you from near at hand." (64)



فَعَقَرُوهَا

قوم ناقه را پی کردند،

Still they mistreated her,

فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ

صالح هم گفت که تا سه روز دیگر در منازل خود از زندگی تمتع برید

so he said: "Enjoy yourselves in your homes for three days [more]!"

ذٰلِكَ وَعَدُّ غَيْرُ مَكْذُوْبٍ ﴿٦٥﴾

که (سپس همه هلاک خواهید شد و) این وعده البته دروغ نیست. (۶۵)
That is a promise which will never be repudiated." (65)

فَلَمَّا جَاءَ اَمْرُنَا نَجَّيْنَا صَالِحًا

چون وقت فرمان (قهر) ما فرا رسید تنها صالح
Once Our command came along, We saved Salih



وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَرَحْمَةً مِنَّا

و مؤمنان به او را به رحمت خاص خود از بلا و از خواری
and those who believed along with him from the disgrace of

وَمِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ

و رسوایی آن روز نجات دادیم،
that day through mercy from Ourselves.



إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ

٦٦

که خدای تو مقتدر و تواناست. (۶۶)

Your Lord is the Strong, the Powerful. (66)

وَأَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ

و آن گاه ستمکاران را (شب) صیحه عذاب آسمانی بگرفت

The Blast caught those who had been doing wrong,





فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ

و صبحگاه در دیارشان بی حس و حرکت و خاموش ابدی شدند. (۶۷)
so one morning they lay cowering in their homes. (67)

كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا ط

چنان هلاک شدند که گویی هرگز در آن دیار نبودند.
It was just as if they had never prospered there.



الْأَيْنَ تَمُودًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ

آگاه باشید که قوم ثمود، به خدای خود کافر شدند،
Had not Thamud disbelieved in their Lord?

الْأَبْعَدَ لِثَمُودَ ٦٨

آگاه باشید که قوم ثمود دور از رحمت ابدی خدا گردیدند. (۶۸)
Was it not: "Away with Thamud!?" (68)



وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ

و محققاً فرستادگان ما (فرشتگان آسمان) بر ابراهیم (خلیل)
Our messengers came to Abraham with

بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا

بشارت آورده و او را سلام گفته
good news. They said: "Peace!";



قَالَ سَلَامٌ

و او پاسخ سلام بداد،
he said: "Peace!",

۶۹

فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ

آن گاه ابراهیم بی درنگ از گوشت گوساله کبابی آورد. (۶۹)
and immediately set about bringing in a roast calf. (69)



فَلَمَّا رَأَىٰ أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ

و چون دید که آنان به طعام دست دراز نمی‌کنند آنان را
When he saw their hands did not reach out towards it,

نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً

بیگانه شمرد و در حال از آنها دلش متوحش و بیمناک گردید،
he felt uneasy with them and started to be afraid of them.



قَالُوا لَا تَخَفْ

آنان گفتند: مترس

They said: "Do not act afraid;

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ قَوْمِ لُوطٍ ﴿٧٠﴾

که ما فرستاده خدا به قوم لوط می باشیم. (۷۰)

we have been sent to Lot's folk." (70)



وَأَمْرَاتُهُ وَقَائِمَةٌ

و زن ابراهیم ایستاده بود که (از فرط شوق)

His wife was standing by

فَضِحَتْ

متبسم (یا حائض) گردید،

and she laughed,



فَبَشِّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ

پس ما آن زن را به فرزندى به نام اسحاق
so We informed her about Isaac,



وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ

و سپس (فرزندش) یعقوب بشارت دادیم. (۷۱)
and following Isaac, Jacob. (71)



قَالَتْ يَا وَيْلَتَىٰ أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ

زن گفت: ای وای! آیا می شود من بزایم با آنکه پیری سالخورده ام
 She said: "It's too bad for me! Shall I bear a child while I am

وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا ز

و شوهرم نیز مردی پیر و فرتوت است؟
 an old woman and this husband of mine is elderly?



إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ ۗ

۷۲

این چیزی بسیار شگفت‌انگیز است. (۷۲)

That would be an amazing thing!" (72)

قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ ۗ

فرشتگان با او گفتند: آیا از کار خدا عجب داری؟

They said: "Do you marvel at God's command?"



رَحْمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

(عجب مدار) که رحمت و برکات خدا
God's mercy and blessings are

عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ

مخصوص شما اهل بیت است،
on all you people in [this] house.



إِنَّهُ وَحَمِيدٌ مَّجِيدٌ ﴿٧٣﴾

زیرا خدا بسیار ستوده صفات و بزرگوار است. (۷۳)
He is Praiseworthy, Glorious!" (73)

فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ

چون ابراهیم را وحشت از دل برفت
So when his dismay left Abraham



وَجَاءَتْهُ الْبُشْرَى

و بشارت (فرزند) پیامد در آن حال برای خلاص قوم لوط
and the news came (home) to him,

يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ

۷۴

با ما به گفتگو و التماس در آمد. (۷۴)

he pleaded with Us about Lot's folk; (74)





إِنِّ اِبْرٰهِيْمَ لَحَلِيْمٌ اَوَّاهٌ مُنِيْبٌ

که همانا ابراهیم بسیار بردبار بود و بسیار دعا و تضرع داشت و بسیار مغفرت
 Abraham was so lenient, worried, concerned. (75)

يَا اِبْرٰهِيْمُ اَعْرِضْ عَن هٰذَا

و آمرزش می طلبید. (۷۵) (خطاب شد) ای ابراهیم از این خواهش درگذر
 "Abraham, avoid this!"



إِنَّهُ وَقَدْ جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ ز

که هنگام حکم (قهر) الهی بر این قوم فرا رسیده
It is merely that your Lord's command has come,

وَأِنَّهُمْ ءَاتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ ٧٦

و بر آنها عذابی که حتمی است و بازگشت ندارد خواهد رسید. (۷۶)
and torment which cannot be averted has been brought them." (76) ۹

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ

و چون فرستادگان ما (فرشتگان قهر) به لوط وارد شدند

When Our messengers came to Lot, he was uneasy concerning them

وَضَاقَ بِهِمْ ذُرْعًا

به آمدن آنان پریشان خاطر و دلتنگ شد

and felt helpless about warding off anything they might do,





وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ

و گفت: این روز بسیار سختی است. (۷۷)
He said: "This is a critical day!" (77)

وَجَاءَهُ وَقَوْمَهُ وَيَهْرَعُونَ إِلَيْهِ

و (چون فرشتگان به صورت جوانان زیبا به خانه لوط درآمدند) قوم لوط به قصد عمل زشتی
His people came hurrying up to him;



وَمِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ

که در آن سابقه داشتند به سرعت به درگاه او وارد شدند، لوط به آنها گفت:

while just before they had been performing such evil deeds! He said:

قَالَ يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ

این دختران من (جنس زنان امتم که به منزله دختران منند) برای شما پاکیزه و نیکوترند،

"My people, these are my daughters; they are purer for you.



فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَحْزُونِ فِي ضَيْفِي

از خدا بترسید و مرا نزد مهمانانم خوار و سرشکسته مکنید،
Heed God and do not shame me through my guests.



أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ

آیا در میان شما یک مرد رشید نیست؟ (۷۸)
Is there not a normal man among you?" (78)



قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا لَنَا فِي بَنَاتِكِ

قوم لوط گفتند: تو خود می دانی که ما را رغبت و میلی به آن دختران

They said: "You know we have no right to your daughters."

مِنْ حَقِّ وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ

نیست و تو به خوبی می دانی که مطلب ما چیست. (۷۹)

You know what we want!" (79)



قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً

لوط گفت: ای کاش مرا بر منع شما اقتداری بود یا (حالی که

He said: "If only I had some power over you



أَوْ أَوْىٰ إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ

بر منتان قدرت ندارم از شر شما) به رکن محکمی پناه می بردم. (۸۰)

or could seek safety at some firm support!" (80)



قَالُوا يَا لَوُطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا

فرشتگان به لوط گفتند: ما رسولان پروردگار توایم و هرگز دست آزار قوم،

They said: "Lot, we are your Lord's messengers. They will not

إِلَيْكَ فَاسْرِبْ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ

به تو نرسد، تو اهل بیت خود را در پاسی از شب از این دیار بیرون بر

overtake you, so travel with your family during part of the night



وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا امْرَأَتَكَ

و از شما هیچ کس نباید وایماند جز آن زن (کافر) تو
and do not let anyone of you turn around except for your wife.

إِنَّهٗ وَمُصِيبُهَا مَا أَصَابَهُمْ

که آن هم با قوم تو باید هلاک شود.
Her fate is what will strike them [too].



إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصَّبْحُ

همانا وعدهٔ عذاب، صبحگاه است،

Their appointment will be in the morning.

أَلَيْسَ الصَّبْحُ بِقَرِيبٍ

۸۱

آیا صبح نزدیک نیست؟! (۸۱)

Is not morning near?" (81)



فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا

چون فرمان (قهر) ما در رسید
When Our command came along,

جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا

دیوار آن قوم نابکار را ویران و زیر و زبر ساختیم
We turned them upside down



وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا

و بر سر آنها

and rained stones on them

۸۲

حِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ مَنْضُودٍ

مرتب سنگ گِل (هلاکت کننده) فرو ریختیم. (۸۲)

from tablets which had been sorted out, (82)



مُسَوِّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ ز

که آن سنگها از امر خدا نشاندار و معین بود
stamped by your Lord.

وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ ع

۸۳

و البته چنین هلاکتی از ظالمان عالم دور نخواهد بود. (۸۳)
They never lie far from wrongdoers! (83)



وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا ج

و ما به سوی اهل مدین برادرشان شعیب را (به رسالت فرستادیم)،
To Midian [God sent] their brother Shuayb.

قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ

وی گفت: ای قوم، خدای یکتا را
He said: "My people, worship God [Alone]!"



مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِهِ وَ

که شما را جز او خدایی نیست پرستش کنید
You have no other deity except Him.

وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ

و در کیل و وزن کم فروشی مکنید،
Do not give short measure and weight.



إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ

من خیر شما را در آن می بینم (که با همه عدل و انصاف کنید) و (اگر ظلم کنید)

I see you enjoy well-being while I fear

۸۴

عَذَابِ يَوْمٍ مُّحِيطٍ

من می ترسم از روزی که عذابی سخت شما را فراگیرد. (۸۴)

the torment of an overpowering day for you. (84)



وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ

ای قوم، در سنجش وزن و کیل اجناس،

My people, give full measure

وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ

عدالت کنید و آن را تمام دهید

and weight with all fairness,



وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ

و به مردم کم نفروشید

and do not cheat men of their belongings

۱۵۵

وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ

و در زمین به فساد برنخیزید. (۱۵۵)

nor cause havoc on earth as mischief makers do. (85)



بَقِيَتْ لِلَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ

(و بدانید که) آنچه خدا بر شما باقی گذارد برای شما بهتر است (از آن زیادتی)
Anything God leaves over is best

إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

که به خیانت و کم و گران فروشی به دست می‌آورید) اگر واقعاً به خدا ایمان دارید.
for you provided you believe.





وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ

و من نگهبان شما (از عذاب خدا) نیستم. (۱۶)

"I am no guardian set up over you." (86)

قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ

قوم گفتند: ای شعیب، آیا این نماز تو، تو را مأمور می‌کند

They said: "Shu'ayb, does your prayer command you



أَنْ نَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا

که ما دست از پرستش خدایان پدرانمان

that we must abandon what our forefathers worshipped,

أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ

و از تصرف در اموال به دلخواه خودمان برداریم؟

or that we should [not] do what we wish to with our property?





إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ

(آفرین) تو بسیار مرد بردبار خردمندی هستی! (۸۷)
 Yet you are such a lenient, normal person!" (87)

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ

شعيب گفت: ای قوم، رأی و نظریه شما چیست؟
 He said: "My people, have you considered



إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي

آیا اگر مرا از جانب پروردگارم حجت روشن و دلیل قاطع باشد
whether I bear any explanation from my Lord?

وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا

و از خود بر من رزق نیکو رسانده باشد (باز اطاعت او نکنم)؟

He has provided me with handsome sustenance from Himself.



وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ

و (بدانید که) غرض من در آنچه شما را نهی می‌کنم

I do not want to oppose you in what

إِلَىٰ مَا أَنهَيْكُمْ عَنْهُ

ضدیت و مخالفت با شما نیست

I am forbidding you;



إِنِّ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ

بلکہ تا بتوانم تنہا مقصودم

I only want to improve matters

مَا اسْتَطَعْتُ

اصلاح امر شماست

so far as I can manage to.



وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ

و از خدا در هر کار، توفیق می طلبم

My success lies only with God;

عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ

و بر او توکل کرده و به درگاه او انابه و بازگشت دارم. (۸۸)

on Him have I relied and to Him do I refer. (88)



وَيَا قَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي

شعیب باز گفت: ای قوم، ضدیت با من

My people, let not disagreement with me

أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ

شما را بر آن وادار نکند که بر شما هم بلایی مانند قوم نوح

involve you in any crime, so the same fate as struck Noah's folk, 

ج أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ

یا قوم هود یا صالح از جانب خدا نازل شود
or Hud's folk or Salih's folk,

۱۹

وَمَا قَوْمَ لُوطٍ مِّنْكُمْ بِبَعِيدٍ

و (به خصوص که) قوم لوط دورانشان دور از شما نیست. (۱۹)
will strike you. Lot's folk even lived not far away from you. (89)



ج
وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ

و از خدای خود آمرزش طلبید و به درگاهش توبه و انابه کنید
Seek forgiveness from your Lord; then turn towards Him;

إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ ٩٠

که خدای من بسیار مهربان و دوستدار بندگان است. (۹۰)
my Lord is Merciful, Affectionate." (90)



قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفْقَهُ كَثِيرًا

قوم پاسخ دادند که ای شعیب، ما بسیاری از آنچه می‌گویی نمی‌فهمیم
They said; " Shu'ayb, we do not understand most of what you say.

مِمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرُكَ فِينَا ضَعِيفًا

و تو را در میان خود شخصی بی‌ارزش و ناتوان می‌بینیم
We do see you are weak compared to us,



وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ ز

و اگر (ملاحظه) طایفه تو نبود سنگسارت می کردیم،
and were it not for your immediate family, we'd expel you.

وَمَا أَنْتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ ۹۱

که تو را نزد ما عزت و احترامی نیست. (۹۱)

You are not so dear to us." (91)



قَالَ يَا قَوْمِ أَرَهْطِي أَعَزُّ عَلَيْكُمْ

شعیب گفت: ای قوم، آیا طایفه من عزتش نزد شما
He said: "My folk, are my family ties dearer to you

مِنَ اللَّهِ وَاتَّخَذْتُمُوهُ وَرَاءَكُمْ ظَهْرِيَا

بیش از خداست؟ و خدا را به کلی فراموش کردید؟
than God is? You thrust Him behind you, turning your backs on Him!

إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ

همانا خدای من به هر چه شما می کنید کاملاً آگاه است. (۹۲)

Yet my Lord embraces anything you do. (92)

وَيَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ

ای قوم، شما هر کار می توانید انجام دهید من هم

My people, do anything that lies within your power;



إِنِّي عَامِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ

هر چه موظفم خواهم کرد، به زودی شما خواهید دانست که عذاب خواری

I am (likewise) acting. You will soon know who will be

عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ

و رسوایی بر کدام یک از من و شما می آید و دروغگو کیست،

brought torment which will disgrace him, and who is lying.



وَأَرْتَقِبُوا

پس شما منتظر (نزول عذاب خدا) باشید

Watch out!

إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ ۙ

۹۳

که من هم (بر خود، لطف و بر شما، قهر حق را) منتظرم. (۹۳)

I am watching along with you." (93)



وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا

و هنگامی که حکم (قهر) ما فرا رسید، ما شعیب
When Our command came, We saved Shu'ayb

وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَرَحْمَةٌ مِنَّا

و کسانی را که با او ایمان آوردند به لطف و مرحمت خود نجات دادیم،
and those who believed with him through mercy from Ourselves,



وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ

و ستمکاران را صیحه عذاب فرا گرفت

while the Blast overtook those who had been doing wrong,

فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ

که صبحگاه همه در دیار خود هلاک شدند. (۹۴)

so they lay cowering in their homes one morning (94)



كَانَ لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا ط

چنان هلاک شدند که گویی هرگز در آن دیار نبودند، آگاه باشید
just as if they had never prospered there. Was it not away

الْأَبْعَدًا لِمَدْيَنَ كَمَا بَعِدَتْ ثَمُودُ ع

۹۵

که اهل مدین هم مانند کافران قوم ثمود از رحمت خدا دور شدند. (۹۵)
with Midian, just as Thamud was also sent away? (95)



وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا

آن گاه موسیٰ عمران را با آیات خود
We sent Moses with Our signs

وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ٩٦

و حجت روشن (به رسالت) فرستادیم. (۹۶)
and clear authority (96)



إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَإِهِ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ

به سوی فرعون و اشراف قومش، و آنان پیرو حکم و امر فرعون شدند
to Pharaoh and his notables; so they followed Pharaoh's command,

فِرْعَوْنَ وَ مَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ ۙ

با آنکه هیچ هدایت و رشدی در اطاعت امر فرعون نبود. (۹۷)
even though what Pharaoh commanded was not sensible. (97)



۱۷۷
يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ

فرعون پیروان خود را در قیامت پیشوایی کند و آنها را (با خود) به آتش دوزخ
He will appear before his folk on Resurrection Day and lead them on

وَبِئْسَ الْوَرْدُ الْمَوْرُودُ ﴿٩٨﴾

در افکند، که بسیار بد ورودگاه و منزلگاهی است. (۹۸)

to the Fire. How awful will be (their) arrival wherever they are led! (98)

وَأَتَّبِعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ

و فرعونیان را در این جهان، بد لعنتی در پی است

They will be followed by a curse in this [world] and on Resurrection Day;

بِئْسَ الرِّفْدُ الْمَرْفُودُ ۹۹

و آن بد عطا و بخششی است. (۹۹)

how awful is the gift which will be presented [them]! (99)



ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْقُرَىٰ نَقَّصْنَاهُ وَعَلَيْكَ

(ای رسول ما) این بعضی از اخبار دیار ستمکاران است که بر تو حکایت می کنیم که برخی
That is some of the news from towns We are telling you about; some of

مِنْهَا قَائِمٌ وَحَصِيدٌ



از آن دیار هنوز معمور است و برخی دیگر شهرها، داس مرگ اهلش را درو کرد. (۱۰۰)
them are still, standing there while [others have been] mown down. (100)

وَمَا ظَلَمْنَا هُمْ

و آنها که به هلاکت رسیدند
We did no wrong to them

وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ

نه ما بر آنها بلکه خود بر خویشتن ستم کردند
but they had (already) wronged themselves;



فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي

و هنگامی که امر (قهر) خدای تو بر هلاکشان در رسید
 their (false) gods which they had been appealing

يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ

همه خدایان باطلی که غیر خدا می پرستیدند
 to instead of to God [Alone] did not benefit them in any way



لَمَّا جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ

هیچ دفع هلاکت از آنان ننمودند
once your Lord's command came along,

وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ

و جز بر خسران و تباهی آنها نیفزودند. (۱۰۱)

and they increased them in nothing except destruction. (101)



وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ

و این گونه است مؤاخذه پروردگارت
Even so will your Lord seize things

إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ

هر گاه بخواهد دیار ستمکاران را ویران کند،
when He takes over any towns while they are doing wrong;



إِنَّ أَخْذَهُ وَالْإِيمُ شَدِيدٌ ﴿١٠٢﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ

که انتقام و مؤاخذه خدا بسیار دردناک و شدید است. (۱۰۲) همانا در این

His seizing will be painful, severe. (102) In that lies a sign

لَايَةٌ لِّمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ ﴿ج﴾

هلاک بدکاران آیت و عبرتی است بر آن کس که از عذاب روز محشر بترسد

for anyone who fears torment in the Hereafter;



ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَّهُ النَّاسُ

که روز محشر روزی است که همهٔ خلق را در آن جمع آورند
that will be a day on which mankind will be gathered,

وَذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ

۱۰۳

و آن روز، روز حضور همگان است. (۱۰۳)

and such is a day when (every) one should be present. (103)



وَمَا نُؤَخِّرُهُ

و ما آن روز را به تأخیر نیفکنیم

We will not postpone it

إِلَّا لِأَجَلٍ مَّعْدُودٍ

جز تا وقتی که (در علم ما) معین است. (۱۰۴)

except till a deadline which shall be counted out. (104)



يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلِّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ

در آن روز که فرا رسد هیچ کس جز به فرمان خدا سخن نگوید،

The day it comes, no soul will speak up except with His permission.

فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ

۱۰۵

پس برخی شقی و بد روزگارند و بعضی سعید و خوشوقت. (۱۰۵)

Some of them will feel miserable while [others] will be happy. (105)

فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُّوا فَفِي النَّارِ

اما اهل شقاوت همه در آتش دوزخند

Those who are miserable will be in the Fire;

لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ

در حالی که سخت آه و ناله حسرت و عریده می‌کشند. (۱۰۶)

they shall (hear) moaning and groaning in it, (106)



خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ

آنها در آتش دوزخ تا آسمان و زمین باقی است مخلصند
 remaining there so long as Heaven and Earth will last,

وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ

مگر آنچه مشیت پروردگار تو باشد،
 except for whatever your Lord may wish.



۱۰۷
 إِنَّ رَبَّكَ فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ

که البته خدا هر چه خواهد می کند. (۱۰۷)

Your Lord is a Doer of whatever He wants! (107)

وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا

و اما اهل سعادت هم،

Those who have found happiness



فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا

تمام در بهشت ابد
will be in the Garden,

مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ

تا آسمان و زمین باقی است مخلدند
living there so long as Heaven and Earth may endure,



إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ

مگر آنچه مشیت پروردگار تو باشد،
except for whatever your Lord may wish,

عَطَاءٌ غَيْرِ مَجْذُوذٍ

۱۰۸

که عطایی ابدی و نامقطوع است. (۱۰۸)
as a gift that will never crumble away. (108)



فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِمَّا يَعْبُدُ هَؤُلَاءِ

پس تو شک نداشته باش که اینان عبادت بتها را

Do not be in any quandary about what those [people] serve;

مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ آبَاؤُهُمْ

جز به پیروی و تقلید (جاهلانۀ) پدرانشان نمی‌کنند

they only worship as their forefathers worshipped previously.



مِنْ قَبْلِ ^{وَج} وَإِنَّا لَمَوْفُوهُم ^{وَع} نَصِيْبِهِمْ

و ما آنچه سهم (عذاب) این مشرکان است

We will repay them their share

غَيْرِ ^{وَع} مَنقُوصٍ

۱۰۹

بی کم و کاست خواهیم داد. (۱۰۹)

without omitting anything. (109)



وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ

و محققاً ما کتاب تورات را برای موسی فرستادیم
We gave Moses the Book,

فَاخْتَلَفَ فِيهِ

آن گاه در آن اختلاف کردند،
yet disagreement arose concerning it.



وَلَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ

و اگر کلمه سابقه الهی و مشیت ازلی خدا (بر تأخیر عذاب خلق تا قیامت) نبود
 Had it not been for a statement which had previously gone forth

لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ

همانا میان آنها حکم (به عذاب) می شد. و این مردم از این گونه وعد و وعیدها
 from your Lord, it would have been decided among them.



وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مِرْيَبٍ

همیشه بدگمان و در شکند و بر خود ریب و شبهه می کنند. (۱۱۰)

They are in such suspicious doubt about it! (110)

وَإِنْ كَلَّا لَمَا لِيَؤْفِقِينَهِمْ رَبِّكَ أَعْمَالَهُمْ

و محققاً خدای تو همه خلق را به جزای همه اعمالشان می رساند،

Your Lord will repay everyone for their actions,





إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

که او بر همهٔ کردار خلق آگاه است. (۱۱۱)

for He is Informed about whatever they are doing. (111)

فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمِرْتَ

پس تو چنان که مأموری استقامت و پایداری کن

Carry on just as you have been ordered to,



وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا ج

و کسی که با همراهی تو به خدا رجوع کند نیز پایدار باشد، و (هیچ از حدود
as well as anyone who repents along with you. Do not act arrogantly:

إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۱۱۲

(الهی) تجاوز نکنید که خدا به هر چه شما می‌کنید بصیر و داناست. (۱۱۲)
He is Observant of anything you do! (112)



وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا

و (شما مؤمنان) هرگز نباید با ظالمان همدست و دوست و بدانها دلگرم باشید

Do not lean on those who do wrong lest the Fire

فَتَمَسَّكُمْ النَّارُ

وگرنه آتش (کیفر آنان) در شما هم خواهد گرفت

should touch you.



وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ

و در آن حال جز خدا هیچ دوستی نخواهید داشت
 You have no patrons besides God;

ثُمَّ لَا تَنْصُرُونَ

۱۱۳

و هرگز کسی یاری شما نخواهد کرد. (۱۱۳)
 otherwise you will not be supported. (113)



وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ

و نماز را در دو طرف (اول و آخر) روز به پا دار
Keep up prayer at both ends of the day;

وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ

و نیز در ساعات آغازین شب، که البته حسنات و نکوکاریها، سیئات و
and at the approach of night.



إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ

بدکاریها را نابود می سازد، این (نماز یا این سخن که حسنات شما سیئات را

Good deeds remove evil deeds:

ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ



محو می کند) یادآوری است برای اهل ذکر و پندی بر مردم آگاه است. (۱۱۴)

that is a Reminder for such persons as will be reminded. (114)



وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ

و صبر کن

Act patiently;

۱۱۵

لَا يُضَيِّعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

که خدا هرگز اجر نیکوکاران را ضایع نگذارد. (۱۱۵)

God does not let the wages of those who act 'kindly be wasted. (115)

فَلَوْ لَا كَانَتْ مِنْ الْقُرُونِ

پس چرا در امم گذشته

If there had only been a few persons

مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ

مردمی با عقل و ایمان وجود نداشت

with a little [sense]



يَنْهَوْنَ عَنِ الْفُسَادِ فِي الْأَرْضِ

که (خلق را) از فساد و اعمال زشت نهی کنند
 left to forbid corruption on earth out of those

إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ

مگر عدهٔ خیلی که نجاتشان دادیم،
 We saved among the generations before you!



وَ اتَّبِعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أَتَرَفُوا فِيهِ

و ستمکاران از پی تعیش به نعمتهای دنیوی رفتند

They followed those who did wrong in whatever they had been

۱۱۶

وَ كَانُوا مُجْرِمِينَ

و مردمی فاسق بدکار بودند. (۱۱۶)

luxuriating in, and were criminals. (116)



وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ

و خدا بر آن نیست که هیچ قومی و هیچ اهل دیاری را در صورتی که
Your Lord would never destroy any towns for doing wrong

۱۱۷

وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ

آنها مصلح و نیکوکار باشند به ظلم هلاک کند. (۱۱۷)
while their people were trying to reform. (117)



وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً

و اگر خدای تو می خواست همه (ملل و مذاهب) خلق را
If your Lord had wished, He would have made mankind

وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ

یک امت می گردانید و لیکن دائم با هم در اختلاف خواهند بود. (۱۱۸)
into one community, but they will not stop disagreeing, (118)



إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ ج

مگر آن کس که خدای تو بر او رحم آورد
except for those to whom your Lord

وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ ط

و برای همین آفریدشان،
has shown mercy.



وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لِأَمْلَانِ جَهَنَّمَ

و کلمه (قهر) خدای توبه حتم و لزوم پیوست که فرموده دوزخ را

For that reason did He create them, and your Lord's word was completed:

۱۱۹ مِنْ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

از کافران جن و انس پر خواهم ساخت. (۱۱۹)

"I shall fill Hell with sprites and mankind all together!" (119)



وَكُلًّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ

و ما از همهٔ اين حكايات و اخبار انبيا بر تو بيان مى كنيم

Everything We relate to you concerning the history of messengers is

مَا نُنشِئُ بِهِ فُؤَادَكَ

از آنچه كه قلب تو را به آن قوى و استوار گردانيم،

what We brace your vitals with;



وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ

و در این شرح حال رسولان آنچه حق و صواب است بر تو آمده
through this, Truth comes to you,

وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ

و اهل ایمان را نیز پند و عبرت و تذکر باشد. (۱۲۰)

as well as a lesson and Reminder for believers. (120)



وَقُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ أَعْمَلُوا

و با آنان که ایمان نمی آورند بگو که شما هر چه بتوانید به زشتکاری و

Tell those who do not believe: "Do whatever lies

عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنَّا عَامِلُونَ ﴿١٢١﴾

معصیت خدا بپردازید ما هم به کار اطاعت مشغول خواهیم بود. (۱۲۱)

within your capacity; we are [likewise] acting. (121)





وَانتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ

و شما (جزای کردار خود را) منتظر باشید ما هم (پاداش عمل خود را از حق) منتظریم. (۱۲۲)

Wait! We are waiting (too)." (122)

وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

و هر چه در آسمانها و زمین پنهان است همه برای خداست

God holds the Unseen in Heaven and Earth,



وَالْيَهُ يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلَّهُ وَ

و امور عالم همه به خدا بازگردانده می شود (و به دست قدرت اوست)،
and unto Him does every matter return;

فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ ج

او را بپرست و بر او توکل کن،
so serve Him, and rely on Him.



وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ

و پروردگار تو از آنچه می‌کنید

Your Lord is not unmindful

عَمَّا تَعْمَلُونَ

۱۲۳

غافل نیست. (۱۲۳)

of what you (all) are doing. (123)



﴿ سُورَةُ يُوسُفَ ﴾

سوره ۱۲ - ۱۱۱ آیه - مکی

Surah 12: (Yusuf)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!



الرّج

الر (از حروف مقطعه رموز خدا و رسول است)

A. L. R.

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ۱

این است آیات کتاب الهی که حقایق را آشکار می سازد. (۱)

These are verses from the Clear Book. (1)



إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا

این قرآن مجید را ما به عربی فصیح فرستادیم،

We have sent it down as an Arabic reading

لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

باشد که شما (به تعلیمات او) عقل و هوش یابید. (۲)

so that you may reason. (2)



نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ

ما به بہترین روش بہ وحی

We relate the best stories to you,

بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ

این قرآن بر تو حکایت می کنیم

since We have revealed this Reading to you.



وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ

و تو پیش از این وحی
You were someone quite

لَمِنَ الْغَافِلِينَ

هیچ از آن آگاه نبودی. (۳)
unaware previously. (3)



إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ

(اکنون متذکر شو خواب یوسف را) آن گاه که یوسف به پدر خود گفت:

So Joseph told his father: "My father,

يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا

ای پدر در عالم رؤیا دیدم که یازده ستاره

I saw eleven stars, and the sun and moon;



وَالشَّمْسِ وَالْقَمَرِ

و خورشید و ماه

I saw them bowing down

رَأَيْتَهُمْ لِي سَاجِدِينَ



مرا سجده می کردند. (۴)

before me!" (4)



قَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَقْصُصْ رَأْيَاكَ

يعقوب گفت: ای فرزند عزیز، زنهار خواب خود را بر برادران

He said: "My dear son, do not relate your vision

عَلَى إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا

حکایت مکن که (به اغوای شیطان) بر تو مکر (و حسد) خواهند ورزید،

to your brothers lest they may lay some trap for you;



إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ

زیرا دشمنی شیطان بر آدمی

Satan is an open enemy



عَدُوٌّ مُّبِينٌ

بسیار آشکار است. (۵)

to man. (5)



وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ

و این (تعبیر خواب تو) چنین است که خدا تو را برگزیند

Thus your Lord is choosing you

وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ

و از علم تأویل خوابها بیاموزد

and teaching you how to interpret events,



وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ وَعَلَيْكَ

و نعمت و لطفش را در حق تو
and completing His favor towards you

وَعَلَىٰ آلِ يَعْقُوبَ

و آل یعقوب
and Jacob's house,



كَمَا اَتَمَّهَا عَلٰى اَبْوَيْكَ

مانند پدرانت

just as He has already completed it toward

مِنْ قَبْلُ اِبْرٰهِيْمَ وَاِسْحٰقَ ج

ابراهیم و اسحاق تمام گرداند،

both your forefathers Abraham and Isaac.



إِنَّ رَبَّكَ

که خدای تو
Your Lord is

عَلِيمٌ حَكِيمٌ
۶

دانا و حکیم است. (۶)

Aware, Wise!" (6)



لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ

همانا در حکایت یوسف و برادرانش برای دانش طلبان

There were signs for inquirers in Joseph

عَايَاتٍ لِّلسَّائِلِينَ



و اهل تحقیق، عبرت و حکمت بسیار مندرج است. (۷)

and his brothers (7)



إِذْ قَالُوا لِيُوسُفُ وَأَخُوهُ

(پس حکایت را بر امت بگو) هنگامی که برادران یوسف گفتند ما با آنکه
when they said; "Joseph and his brother

أَحَبُّ إِلَيْنَا مِنَّا

چندین برادر نیرومندیم پدر چنان دل بسته یوسف و برادر اوست
are dearer to our father



وَنَحْنُ عَصَبَةٌ

که آنها را تنها بیش از همه ما برادران دوست می دارد،
than we are even though we are a closed group.

إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۸

همانا ضلالت پدرمان (در حب یوسف) نیک پدیدار است. (۸)
Our father is clearly mistaken. (8)



أَقْتُلُوا يُوسُفَ أَوْ اطْرَحُوهُ أَرْضًا

باید یوسف را بکشید یا در دیاری (دور از پدر) بیفکنید
 [Let's] kill Joseph or throw him into exile in some land

يَجْلُ لَكُمْ وَجْهَ أَبِيكُمْ

تا روی پدر یک جهت، به طرف خودتان باشد
 so your father's attention will be absorbed in (all of) you,



وَتَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ

و بعد از این عمل (توبه کرده و)
and later on you

قَوْمًا صَالِحِينَ ٩

مردمی صالح و درستکار باشید. (٩)
will be honorable folk." (9)



قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ

یکی از برادران یوسف اظهار داشت که اگر ناچار سوء قصدی دارید

One among them spoke up and said: "Don't kill Joseph;

وَالْقُوَّةَ فِي غَيَابَتِ الْجُبِّ

البته باید از کشتن وی صرف نظر کنید

toss him into the bottom of the cistern



يَلْتَقِطُهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ

ولی او را به چاهی درافکنید
so some travellers may pick him up,

۱۰
إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ

تا کاروانی او را برگیرد (و با خود به دیار دور برد). (۱۰)
if you must do something." (10)



قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَىٰ

(بعد از این رأی و تصمیم نزد پدر رفته و) گفتند: ای پدر، چرا تو بر یوسف

They said: "Our father, what's wrong with you that you do not trust us

يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ وَ لَنَا صِحُّونَ ﴿١١﴾

از ما ایمن نیستی در صورتی که ما برادران همه خیرخواه یوسفیم؟ (۱۱)
with Joseph? We are quite sincere about him. (11)



أَرْسِلْهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ

فردا او را با ما فرست که در چمن و مراتع بگردد و بازی کند
Send him along with us tomorrow to relax and play.

۱۲

وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ

و البته ما همه نگهبان اویم. (۱۲)
We'll look after him." (12)



قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِي أَنْ تَذْهَبُوا بِهِ

يعقوب گفت: من از آن دلتنگ می شوم که او را ببرید
 He said: "It would worry me for you to go off with him."

وَ أَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ

و ترسان و پریشان خاطریم که از او غفلت کنید
 I fear a wolf will eat him up



وَأَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ ﴿١٣﴾

و طعمه گرگان شود. (۱۳)

while you are careless about him." (13)

قَالُوا لَيْنَ أَكَلَهُ الذِّئْبُ

برادران گفتند اگر با آنکه ما چند مرد نیرومند به همراه اویم

They said: "How could a wolf eat him



وَنَحْنُ عُصْبَةٌ

باز گریه او را بخورد
when we are a closed group?

۱۴

إِنَّا إِذَا لَخَّاسِرُونَ

پس ما بسیار مردم ضعیف زیانکاری خواهیم بود. (۱۴)

Then we would be losers!" (14)



فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَاجْتَمَعُوا

چون او را به صحرا بردند و بر این عزم

As they went away with him,

أَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غِيَابَتِ الْجُبِّ

متفق شدند که او را به قعر چاه درافکنند

they agreed on how to place him in the bottom of a cistern.



وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ

(چنین کردند) و ما به او وحی نمودیم که البته تو روزی، برادران را به کار
 We inspired him as follows: "You will inform them about this business

۱۵

هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

بدشان آگاه می سازی و آنها تو را نشناخته و درک مقام تو نمی کنند. (۱۵)
 of theirs while they will not catch on about it." (15)





وَجَاءُوا أَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ

و برادران شبانگاه با چشم گریان نزد پدر بازگشتند. (۱۶)

They came back weeping to their father in the evening. (16)

قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ

گفتند: ای پدر، قصه این است که ما به صحرا رفته و سرگرم مسابقه بودیم

They said: "Our father, we went off racing



وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتَاعِنَا

و یوسف را بر سر متاع خود گذاردیم
and left Joseph with our belongings,

فَأَكَلَهُ الذِّئْبُ

و او را گرگ طعمه خود ساخت،
and the wolf ate him up!



وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَّنَا

و هر چند ما راست بگوییم

You will not believe us

۱۷

وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ

تو باز از ما باور نخواهی کرد. (۱۷)


even though we are telling the truth." (17)



وَجَاءُوا عَلَىٰ قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ ج

و پیراهن یوسف را آلوده به خون دروغ نمودند (و نزد پدر آوردند) یعقوب
They even came with false blood on his shirt.

قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنفُسُكُمْ أَمْرًا ز

گفت: بلکه امری (زشت قبیح) را نفس مکار در نظر شما بسیار زیبا جلوه داده،
He said: "Rather you yourselves have been fooled in the matter." 

فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ

در هر صورت صبر جمیل کنم، که بر رفع این بلیّه که شما اظهار می دارید

Patience is beautiful! God is the One to seek help from against

عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ



بس خداست که مرا یاری تواند کرد. (۱۸)

what you describe." (18)



وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ

باری کاروانی آنجا رسید و سقّای قافله را برای آب فرستادند، دلو را به چاه

Some travellers came along who sent their waterboy

فَادَلَّى دَلْوَهُ وَقَالَ يَا بَشْرِي هَذَا غُلامٌ

فرستاد (همین که از آن چاه برآورد) گفت: به به از این بشارت و خوشبختی

and he let down his bucket. He said: "What a godsend! This is a boy!"

وَاسْرُوهُ بِضَاعَةً ج

که رخ داده، این پسری است (که نصیب ما شده است). و او را پنهان داشتند
So they hid him as a piece of merchandise;

وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ۱۹

که سرمایه تجارت کنند و خدا به آنچه می‌کردند آگاه بود. (۱۹)
yet God was Aware of what they were doing. (19)



وَشَرَّوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ

و او را به بهایی اندک و درهمی ناچیز فروختند

They sold him for a trifling price, just a few coins which

وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ ^ع ٢٠

و در او زهد و بی رغبتی نمودند. (۲۰)

were counted out. They were quite indifferent about him, (20)



وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ

و عزیز مصر که او را خریداری کرد

The person from Egypt who [eventually] bought him

مِنْ مِصْرَ لِمُرَاتِهِ أَكْرَمِي

به زن خویش سفارش غلام را نمود که مقامش بسیار گرامی دار
told his wife: "Let his stay here be dignified;



مَثُوبُهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا

که این غلام امید است به ما نفع بسیار بخشد

perhaps he will benefit us

أَوْ نَتَّخِذُهُ وَوْلَدًا ج

یا او را به فرزندی برگیریم.

or we'll adopt him as a son."



وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ

و ما این چنین یوسف را به تمکین و اقتدار رسانیدیم

Thus We established Joseph in the land

وَلِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ

و برای آنکه او را از علم تعبیر خوابها بیاموزیم،

and taught him how to interpret events.



وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ

و خدا بر کار خود غالب است

God was Dominant in his affair,

وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

ولی بسیاری مردم (بر این حقیقت) آگه نیستند. (۲۱)

even though most men do not realize it. (21)



وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ

و چون یوسف به سن رشد و کمال رسید
When he became of age,

ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا ج

او را مقام حکمت و نبوت (یا مسند حکمفرمایی) و مقام دانش عطا کردیم
We gave him discretion and knowledge;



وَكَذَلِكَ

و این چنین
thus We reward

نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۲۲

ما نکوکاران عالم را پاداش می بخشیم. (۲۲)
those who act kindly. (22)



وَرَأَوَدَتَهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا

و بانوی خانه به میل نفس خود با او بنای مراوده گذاشت
However the woman in whose house he lived,

عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَقَتِ الْأَبْوَابَ

و (روزی) درها را بست و یوسف را به خود دعوت کرد
wanted to seduce him. She bolted the doors



وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ ج

و اشاره کرد که من برای تو آماده‌ام،
and said: "Come here, you!"

قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ ز

یوسف جواب داد: به خدا پناه می‌برم،
He said: "God protect me!"



إِنَّهُ وَرَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ ز

او خدای من است، مرا مقامی منزّه و نیکو عطا کرده (چگونه خود را به ستم

He is my Lord, the best shelter to hold on by.

إِنَّهُ وَ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ۲۳

و عصیان آلوده کنم)، که هرگز ستمکاران رستگار نمی‌گردند. (۲۳)

He does not let wrongdoers prosper." (23)



وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ ز

آن زن باز در وصل او اصرار و اهتمام کرد و یوسف هم اگر لطف خاص خدا و
 She kept him on her mind, while he would have

وَهُمْ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَىٰ بُرْهَانَ رَبِّهِ ج

برهان روشن حق را ندیده بود (به میل طبیعی) در وصل آن زن اهتمام کردی،
 had her on his, had it not been that he saw a proof from his Lord. ۱۰

كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ

ولی ما این چنین کردیم تا قصد بد و عمل زشت را
 Thus We warded off evil and sexual misconduct

وَالْفَحْشَاءَ

از او بگردانیم
 from him;





إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلِصِينَ

که همانا او از بندگان برگزیده ما بود. (۲۴)
he was one of Our sincere servants. (24)

وَاسْتَبَقَا الْبَابَ

و هر دو (برای گریختن) به جانب در شتافتند
They both raced for the door,



وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ

و زن، پیراهن یوسف را از پشت بدرید
and she ripped his shirt from behind;

وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَا الْبَابِ

و در آن حال آقای آن زن (یعنی شوهرش) را بر در منزل یافتند،
and they met her husband at the door!



قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا

زن گفت: جزای آن که با اهل تو قصد بد کند جز آنکه یا به زندانش برند
 She said: "What is the penalty for someone who wants [to commit] evil

إِلَّا أَنْ يُسَجَّنَ أَوْ عَذَابُ أَلِيمٍ

یا به عقوبت سخت کیفر کنند چه خواهد بود؟ (۲۵)

with your wife except for him to be jailed or [suffer] painful torment?" (25)

ج
قَالَ هِيَ رَاوَدَتْنِي عَنْ نَفْسِي

یوسف جواب داد: این زن خود (با وجود انکار من) با من قصد مراوده کرد.

He said: "She tried to seduce me."

وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ أَهْلِهَا

و بر صدق دعوی‌ش شاهدی از بستگان زن گواهی داد

A witness from her side of the family testified:



إِنْ كَانَ قَمِيصَهُ وَ قَدْ مِنْ قَبْلِ

گفت: اگر پیراهن یوسف از پیش دریده،

"If his shirt has been ripped from in front,

فَصَدَقَتْ وَ هُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ

زن راستگو و یوسف از دروغگویان است. (۲۶)

then she has told the truth and he is a liar; (26)



وَإِنْ كَانَ قَمِيصَهُ وَ قَدْ مِنْ دُبُرٍ

و اگر پیراهن او از پشت سر دریده،

while if his shirt has been ripped from behind,

فَكَذَبَتْ وَ هُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۲۷

زن دروغگو و یوسف از راستگویان است. (۲۷)

then she has lied and he is truthful." (27)



فَلَمَّا رَأَىٰ قَمِيصَهُ وُقِدَّ مِنْ دُبُرٍ

چون شوهر دید که پیراهن از پشت سر دریده است
When he saw his shirt was ripped from behind,

قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِ كُنْزٍ

گفت: این از مکر شما زنان است،
he said: "It is one of your women's tricks.



إِنَّ كَيْدَ كُنُوزٍ عَظِيمٍ



که مکر و حيله شما زنان بسيار بزرگ و حيرت انگيز است. (۲۸)

Your wives are serious! (28)

يُوسُفُ أَعْرِضْ عَن هَذَا

ای یوسف، از این درگذر (يعنی قضيه را از همه پنهان دار)

Joseph, avoid this. [My wife],



ز
وَاسْتَغْفِرِي لِذَنْبِكِ

و (زن را گفت) تو هم از گناه خود توبه کن
ask forgiveness for your sin.

ع
إِنَّكَ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ ۲۹

که سخت از خطاکاران بوده‌ای. (۲۹)

You're someone who has slipped up." (29)



وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ

و زنانی در شهر مصر گفتند: زن عزیز مصر

Some women in the city said: "The official's wife

تُرَاوِدُ فَتْنَهَا عَن نَّفْسِهِ

قصد مراوده با غلام خویش داشته

wants to seduce her houseboy.



قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا ز

و حبّ او، وی را شیفته و فریفته خود ساخته
He's set her madly in love!

إِنَّا لَنَرِيهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۳۰

و ما او را (از فرط محبت) کاملاً در ضلالت می بینیم. (۳۰)
We see she has gone clear astray." (30)



فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ

چون (زلیخا) ملامت زنان مصری را درباره خود شنید فرستاد و از آنها

When she heard about their remarks,

إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَكًا

دعوت کرد و (مجلسی بیاراست و) به احترام هریک بالش و تکیه گاهی بگسترد

she sent for them and prepared a party for them.



وَأَاتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا

و به دست هر یک کاردی (و ترنجی) داد و (آن گاه با زیب و زیور یوسف را
To each of them she gave a knife.

وَقَالَتْ أَخْرِجْ عَلَيْهِنَّ

بیاراست و) به او گفت که به مجلس این زنان درآ،
She told [him]: "Come out to [see] them!"



فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ

چون زنان مصری یوسف را دیدند بس بزرگش یافتند

When they saw him they praised him

وَقَطَعْنَ أَيْدِيَهُنَّ

و دستهای خود (به جای ترنج) بریدند

and cut their hands.



وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا

و گفتند حاش لله که این پسر نه آدمی است
They said: "God forbid! This is no human being;

إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ

بلکه فرشتهٔ بزرگ حسن و زیبایی است. (۳۱)
this is simply a noble angel!" (31)



قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنِي فِيهِ

گفت: این است غلامی که مرا در محبتش ملامت کردید!

She said: "Well this is the person whom you blamed me for."

وَلَقَدْ رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ

آری من خود از وی تقاضای مراوده کردم و او عفت ورزید

Yes, I wanted to seduce him, and he held himself back!



وَلَئِنْ لَمْ يَفْعَلْ مَا أَمَرَهُ لَيَسْجَنَنَّ

و اگر از این پس هم خواهش مرا رد کند البته زندانی شود
 If he doesn't do what I order him to, he'll be jailed,

وَلَيَكُونَنَّ مِنَ الصَّاغِرِينَ

۳۲

و از خوارشدگان گردد. (۳۲)

and taken down a notch or two." (32)



قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ

یوسف گفت: ای خدا، مرا رنج زندان خوشتر از این کار زشتی است

He said: "My Lord, jail is more precious to me

مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ

که اینان از من تقاضا دارند

than what they are inviting me to do.



وَالْأَتَّصِرْفَ عَنِّي كِيدَهُنَّ أَصْبُ

و اگر تو حیلۀ این زنان را از من دفع نفرمایی

Unless You ward off their tricks from me, I'll fall for them

۳۳

إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ

به آنها میل کرده و از اهل جهل (و شقاوت) گردم. (۳۳)

and act as if I do not know a thing." (33)



فَاسْتَجَابَ لَهُ وَرَبَّهُ وَفَصَّرَفَ عَنْهُ

خدايش هم دعای او را مستجاب کرده و مکر و دسایس آن زنان را
His Lord responded to his plea and warded off their tricks

كَيْدِهِنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

از او بگردانید، که خداوند شنوا و داناست. (۳۴)
from him. He is the Alert, Aware. (34)



ثُمَّ بَدَأَ لَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا رَأَوْا الْآيَاتِ

و با آنکه دلایل روشن (پاکدامنی و عصمت یوسف) را دیدند

Then it occurred to them to jail him for a while even

لَيْسَ جُنْهً وَ حَتَّىٰ حِينَ ٣٥ ع

باز چنین صلاح دانستند که وی را چندی زندانی کنند. (۳۵)

after they had seen the signs. (35)



وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانٍ قَالَ

و با یوسف دو جوان دیگر هم (از ندیمان و خاصان شاه) زندانی شدند.
Two young men entered the prison along with him.

أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَبْتُ أَعْصِرُ خَمْرًا

یکی از آنها گفت: من در خواب دیدم که انگور برای شراب می افشرم،
One of them said: "I dreamed I was pressing wine."



وَقَالَ الْأُخْرَانِيَّ أَرِنِي أَحْمِلُ

و دیگری گفت: من در خواب دیدم که بر بالای سر خود

The other said: "I dreamed I was carrying bread

فَوْقَ رَأْسِي خُبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ

طَبَقِ نَانِي مِي بَرَمِ وَ مَرغانِ هُوا اَز آن بَه مَنقارِ مِي خورند،

on my head from which the birds were eating.



نَبِّئْنَا بِتَأْوِيلِهِ

(یوسف) ما را از تعبیر آن آگاه کن،

Tell us about their interpretation;

۳۶

إِنَّا نَرُكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

که تو را از نیکوکاران (و دانشمندان عالم) می بینیم. (۳۶)

we see you are someone who acts kindly." (36)



قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلَّا

یوسف در پاسخ آنها گفت: من شما را پیش از آنکه طعام آید
 He said: "Food will not be brought either of you to sustain you,

نَبَأْتِكُمَا بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمَا

و تناول کنید به تعبیر خوابتان آگاه می‌سازم،
 unless I will tell you their interpretation even before it reaches you. 

ذِكْمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي

که این علم از چیزهایی است که خدای به من آموخته است،
That is something my Lord has taught me.

إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ

زیرا که من آیین گروهی را
I have left the sect of folk



لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ

که به خدا بی ایمان

who do not believe in God

۳۷

وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ

و به آخرت کافرند ترک گفتیم. (۳۷)

and are disbelievers in the Hereafter: (37)



وَآتَبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ

و از آیین پدرانم ابراهیم (خلیل) و اسحاق و یعقوب
I follow the sect of my forefathers Abraham,

وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ ج

(که دین توحید و خداپرستی است) پیروی کردم،
Isaac and Jacob.



مَا كَانَتْ لَنَا

در آیین ما

We may not associate anything

ج
أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ

هرگز نباید چیزی را با خدا شریک گردانیم،

in [our worship of] God [Alone].



ذٰلِكَ مِنْ فَضْلِ اللّٰهِ عَلَيْنَا

این از فضل و عطای خداست بر ما

That is part of God's bounty towards us

وَ عَلٰى النَّاسِ

و بر همهٔ مردم،

and towards mankind;



وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ

لیکن اکثر مردمان
even though most men



لَا يَشْكُرُونَ

شکر به جا نمی آورند. (۳۸)
are not grateful. (38)



يَا صَاحِبِي السِّجْنِ ءَأَرْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ

ای دو رفیق زندان من، آیا خدایان متفرق (بی حقیقت مانند بتان و فراعنه

Both my jailmates, are separate lords

خَيْرٌ أَمِ اللّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ

(و غیره) بهترند یا خدای یکتای قاهر و غالب؟ (۳۹)

better than God Alone, the Irresistible? (39)



مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ

(و بدانید که) آنچه غیر از خدا می پرستید،
Instead of Him you do not serve anything

إِلَّا أَسْمَاءَ سَمِيَّتُمُوهَا

جز اسمایی (بی حقیقت و الفاظی بی معنی) نیست
except some names which you



أَنْتُمْ وَعَابَاؤُكُمْ

که شما، خود و پدرانتان نامیده (و ساخته) اید،
and your forefathers have given them.

مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ

خدا هیچ حجتی بر آن نفرستاده،
God has not sent down any authority for them.



إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ ج

تنها حکمفرمای عالم وجود خداست،

Discretion belongs only to God.

أَمَرَ الْأَتَّعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ج

امر فرموده که جز آن ذات پاک یکتا کسی را نپرستید،

He has ordered you to serve Him Alone;



ذَلِكَ الدِّينِ الْقَائِمِ

این توحید آیین محکم است
such is the established religion,



وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

لیکن اکثر مردم بر این حقیقت آگه نیستند. (۴۰)
even though most men do not realize it. (40)



يَا صَاحِبِي السِّجْنِ

ای دو رفیق زندان من،

"My two jailmates,

أَمَّا أَحَدُكُمَا فَيَسْقِي رَبَّهُ وَخَمْرًا

اما یکی از شما ساقی شراب شاه خواهد شد

one of you will pour wine for his lord,



وَأَمَّا الْآخَرُ فَيُصَلَّبُ

و اما آن دیگری به دار آویخته شود
while the other will be crucified

فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْ رَأْسِهِ

و مرغان مغز سر او را بخورند.
so birds will eat from his head.



قُضِيَ الْأَمْرَ الَّذِي

در قضای الهی راجع به امری که سؤال کردید

The case has been decided



فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ

چنین حکم شده است. (۴۱)

which you have been seeking my opinion about." (41)



وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ وَ نَاجٍ

آن گاه از رفیقی که اهل نجاتش یافت درخواست کرد که مرا
 He told the one whom he thought would be released:

مِنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ

نزد خواجه خود یاد کن (باشد که چون بی تقصیرم بیند از زندانم برهاند)
 "Mention me to your lord."



فَأَنسَهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ

اما شیطان از خاطر آن یار زندانی برد که یوسف را نزد خواجه اش یاد کند،
However Satan made him forget to mention it to his lord,

۴۲

فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ

بدین سبب در زندان چندین سال محبوس بماند. (۴۲)
so he languished in jail for several years. (42)



وَقَالَ الْمَلِكُ

و پادشاه مصر (با ملازمان و دانشمندان دربار خود) گفت:

The king said;

إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ

من خوابی دیدم که هفت گاو فربه را

"I [dreamed I] saw seven fat cows



يَا كَلْهَنَ سَبْعَ عَجَافٍ وَ سَبْعَ

هفت گاو لاغر می خورند و هفت خوشه سبز دیدم
which seven lean ones were eating,

سُنْبَلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخْرٍ يَا بَسَاتٍ

و هفت خوشه خشک (که خوشه های سبز را نابود کردند)،
and seven green ears plus some others all dried up.



يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُءْيَايَ

ای بزرگان ملک، مرا به تعبیر این خوابه
Councilmen, explain my dream to me

۴۳

إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّءْيَا تَعْبُرُونَ

اگر علم خواب می دانید آگاه گردانید. (۴۳)
if you know how to explain any vision." (43)



قَالُوا أَضْغَاثٌ أَحْلَامٍ

آنها گفتند: خوابهای پریشان است
They said: "Jumbles of dreams;

وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالَمِينَ

و ما تعبیر خوابهای پریشان نمی دانیم. (۴۴)

we do not know how to interpret dreams." (44)



وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا

و آن (رفیق زندانی یوسف) که نجات یافته بود
The one from the pair who had been released

وَأَدَّكَرَبَعْدَ أُمَّةٍ

و بعد از چندین سال به یاد یوسف افتاد گفت: من شما را
said (for he recalled things after a lapse of time):





أَنَا أَنْبِئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ

به تعبیر این خواب آگاه می‌سازم، مرا (نزد یوسف زندانی) فرستید. (۴۵)
 "I'll inform you about its interpretation. Send me [after it]!" (45)

يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا

(در زندان رفت و گفت) یوسفا! ای که هر چه گویی همه راست گویی،
 "Joseph, you truthful man, explain to us



فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ

ما را به تعبیر این خواب که هفت گاو فربه را

about seven fat cows

يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ

هفت گاو لاغر می خوردند

which seven lean ones were eating,



وَسَبْعَ سُنْبُلَاتٍ خَضِرٍ

و هفت خوشه سبز و هفت خوشه خشک
and seven green ears

وَأُخْرَى يَابَسَاتٍ

(که آنها را نابود ساختند) آگاه گردان،
and others all dried up,



لَعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ

باشد که نزد مردم بازگردم

so that I may return to the people

۴۶

لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ

و (شاه و دیگران همه تعبیر خواب و مقام تو را) بدانند. (۴۶)

so they may know." (46)



قَالَ تَزْرَعُونَ

یوسف گفت: باید

He said: "You will farm

سَبْعَ سِنِينَ دَأْبًا فَمَا حَصَدْتُمْ

هفت سال متوالی زراعت کنید و هر خرمن را که درو کنید

for seven years as usual, and with anything you harvest,



فَذَرُوهُ فِي سُنْبِلِهِ

جز کمی که قوت خود می سازید
leave it in its ear

۴۷

إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ

همه را با خوشه در انبار ذخیره کنید. (۴۷)
except for a little which you may eat. (47)



ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ

که چون این هفت سال بگذرد هفت سال قحطی پیش آید

Then later on, seven severe ones will come which will eat up

يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ

که ذخیره شما را بخورند

anything you have planned ahead for them,



إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَحْصِنُونَ ﴿٤٨﴾

جز اندکی که (برای تخم کاشتن) در انبار نگه دارید. (۴۸)
except for a little which you will store up. (48)

ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ

آن گاه بعد از سنوات قحط و شدت مجاعه، باز سالی آید
Then a year will come after that



فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ

که مردم در آن به آسایش
when people will receive showers,

۴۹

ع

وَفِيهِ يَعْصِرُونَ

و وسعت و فراوانی نعمت می‌رسند. (۴۹)
and in which they will press [grapes]." (49)



وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ فَلَمَّا

شاه گفت: زود او را نزد من بیاورید.

The king said: "Bring him to me." When

جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ إِلَىٰ رَبِّكَ

چون فرستاده شاه نزد یوسف آمد یوسف به او گفت: باز گرد

the messenger came to him, he said: "Return to your lord



فَسَأَلَهُ مَا بَأْسُ النِّسْوَةِ الَّتِي قَطَّعْنَ

و شاه را بپرس چه شد که زنان مصری همه دست خود بریدند؟
and ask him what [was on] the mind of the women

أَيْدِيَهُنَّ إِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ

آری خدای من به مکر آنان (و بی‌گناهی من) آگاه است. (۵۰)

who cut their hands. My Lord is Aware of their tricks." (50)



قَالَ مَا خَطْبُكَ

شاه (با زنان مصر) گفت:

He said: "What were you

إِذْ رَأَوْدَتْنِ يَوْسُفَ عَنِ نَفْسِهِ

حقیقت حال خود را که خواهان مراوده با یوسف بودید بگویید،
after when you tried to seduce Joseph?"



قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ

همه گفتند: حاش لله

The women said: "God forbid!

مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوءٍ

که ما از یوسف هیچ بدی ندیدیم.

We have not known about any evil concerning him."



قَالَتْ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ الْآنَ

در این حال زن عزیز مصر اظهار کرد که

The official's wife said: "Now

حَصْحَصَ الْحَقُّ

الآن حقیقت آشکار شد،

the Truth has prevailed!



أَنَا رَاوِدْتُهُ وَعَنْ نَفْسِهِ

من با یوسف عزم مراوده داشتم و او البته

I tried to seduce him;

وَإِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٥١﴾

از راستگویان است. (۵۱) (یوسف در ادامه سخن خود به فرستاده شاه گفت)

he is someone who is telling the truth. (51)



ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ

من این کشف حال برای آن خواستم تا عزیز مصر بداند که من هرگز در نهانی به او خیانت
That was so he may know that I have not betrayed him during his

وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ ﴿٥٢﴾

نکردم و بداند که خدا هرگز مکر و خدعهٔ خیانتکاران را به مقصود نمی‌رساند. (۵۲)
absence, and that God does not guide the plotting of traitors. (52)



Negareh Asan



easy.reading.quran



negareh.asan

negarehasanpub



www.negareh-asan.ir

نِگارِش
آسان